

## شهید ابراهیم تلیانی امامزاده



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

غلامحسین	نام پدر
۱۳۴۱/۰۶/۰۳	تاریخ تولد
بوشهر - بوشهر	محل تولد
۱۳۶۰/۰۹/۰۹	تاریخ شهادت
بستان	محل شهادت
تک تیر انداز	مسئولیت
پاسدار	نوع عضویت
پاسدار	شغل
دیپلم	تحصیلات
بوشهر	مدفن

## زندگینامه

بسم الله الرحمن الرحيم

□ زندگینامه شهید ابراهیم تلیانی □

شهید ابراهیم تلیانی امامزاده ر سال ۱۳۴۱ متولد شدند وی در سال تحصیلات ابتدائی در منزل شخصی در محل را شروع و در سال تحصیلی ۵۲-۵۳ در مدرسه راهنمایی شهید مفتاح ( اردلان سابق ) که اکنون دبیرستان شهدای جوشن می باشد شروع به تحصیل نموده و در سال ۵۵-۵۶ در دبیرستان دکتر شریعتی مشغول به تحصیل شدند پس از دو سال اول دبیرستان سال سوم دبیرستان به دبیرستان طالقانی منتقل گردیدند. ایشان در رشته خدمات (اداری) و بازرگانی در سال ۵۸-۵۹ تحصیلات خود را با اخذ مدرک دیپلم به پایان رسانید. در خرداد ماه همان سال (۵۹) به عضویت بسیج محل در آمدند که مسئولیت بسیج محل بعهده داشتند ایشان پس از گذراندن دوره فشرده یک هفته ای چریکی تصمیم به عضویت در سپاه پاسداران نمودند. لذا پس از یکماه امتحانات ورودی و آزمایشی از طرف سپاه پاسداران بعنوان عضو پذیرفته شد بلافاصله بخاطر اعتماد شدیدی که مسئول سپاه با ایشان داشتند بعنوان مسئول تعاون که کلیه دخل و خرج سپاه در آن زمان و محل برای رسیدگی و رساندن حقوق به خانواده رزمندگان و شهید بعهده داشت انتخاب گردید. وی فردی امین و در تمام امورات زندگی بخصوص ق الناس امانتدار خوبی بود در طی مدت زمانی که در سپاه بودند بطور شبانه روز کار می کردند ایشان فقط صبح روز جمعه با مقداری انار جهت خوردن خانواده و خود برای ثواب به منزل می آمدند که دو یا سه ساعت بیشتر نمی شد سپس با خانواده به نماز جمعه رفت و از همان راه به سپاه می رفتند تا جمعه بعد که به خانه بیایند فقط بریا جلسات بسیج اگر لازم می شد به محل می آمدند یکماهی نگذاشته بود که برای اولین بار به جبهه اعزام گردید یکماهی در جبهه بودند که شهید بهستی را به شهادت رساندند پس از سه ماه گذراندن در جبهه که ایشان ترکش خوردند تمام اعضای بدنش بخصوص سرش پراز ترکش بود ایشان به محض بردن به بیمارستان اهواز و به جبهه برگشته بودند اوایل ماه محرم همان سال به منزل برگشتند هیچکس از زخمی شدن ایشان غیر از همرزمانش نمی دانست. خواهر و برادر بزرگترشان هم از طریق خانواده همرزمان باخبر شدند که از آنها خواسته شده بود که به هیچکس حتی مادرش نگویند. پس از مدتی کوتاه ماه صفر همان سال برای بار دوم با توجه به مسئولیتی که داشت و مخالفت رئیس سپاه توانست آنها را راضی و به جبهه اعزام گردد. شاید چند روزی نگذشته بود که حمله بستان شروع و ایشان با خوردن تیر به پیشانی و قلب مبارکش در تاریخ ۹/۹/۶۰ به درجه رفیع شهادت نائل شدند. خداوند روحش را شاد و با شهدای کربلا محشور گرداند.

والسلام

روانش شاد و راهش مستدام باد



## وصیت نامه

بسمه تعالی

□ وصیت نامه شهید ابراهیم تلیانی □

بسم الله الرحمن الرحيم

از شهادت باکی نیست . اولیا □ ما هم شهید شدند. ( امام خمینی )

پس از حمد خدای تبارک و تعالی و سلام به سرور آزاد مردان جهان حسین (ع) که دورد و رحمت خدا بر روح و قبر جد پاک او باد.

سلام ، بر مادر عزیزم ، سلام بر آن مادری که بزرگ بود ولی من خوار و ذلیل پنداشتمش. سلام بر آن مادری که احترامم کرد و من بی احترامیش کردم ، سلام بر آن مادری که رحمم کرد و نسبت به او خشونت ورزیدم ، سلام بر آن مادری که خداوند بزرگش پنداشت و دستور فرمود که اطاعتش کنم و آنقدر اهمیت به این کار داد که حتی رفتن به جبهه جهاد را بدون اجازه او مقدر نتوان شد آنکه رضایت او بدست آید و خشنودی او به خشنودی خدا توام گردد. جانم فدایت و دلم خاضع برایت و قلبم پر طپش مهر و دوستی ، مادر من نسبت به آن وجود بسیار بد کردم و بد رفتاری نمودم و هنوز دفتر بی ادبیم نسبت به آن مادر نگشودم که گناه از هزار افزون گشت ، آن صواب کم نیز با این گناه واژگون گشت مادر جان ، ای آنکه مرا پرورش دادی که روزی به ثمر برسم ، اکنون باغبان درخت به ثمر رسید و چه ثمری بالاتر از آنکه در رکاب امام حسین جهاد میکنم بشارت باد ترا که اکنون درخت تو ثمر قرمز خود را که همان خون دادن در راه خداست به نمایش تاریخ خواهد گذاشت. مادر ای آنکه خدای بزرگ شانت قرار داد و بدان که پسر آن ابراهیم قبلی نیست به اندازه کلوخی که به کوهی تبدیل گشته است. من خیلی تغییر کرده ام و از اعمال گذشته و شرمنده هستم ، مادر اگر من گاهی تندی نسبت به تو کردم مرا ببخش و از گناهم در گذر تا خدا از گناهم در گذر و مشمول رحمت خود سازد من از همه خانواده ام طلب بخشش میکنم اگر بی ادبی نسبت به آنها داده ام از خواهرم واز پدرم طلب بخشش میکنم اگر عفو مینمائید.

سلام بر پدرم پدر گاهی نافرمانیت کردم مرا ببخش اگر برگشتم که تلافی خواهم کرد و اگر برگشتم که فدای راه امام حسین ، من در وجود شما مادرم این را می بینم که اگر پشت به جنگ کنم و به آغوش تو برگردم تو مرا حرام کرده و مرا نمی ببخشی و مانند زنان صدر اسلام میگوئی تا به یاری امام زمان نرفته ای و نجنگیده ترا حلال نخواهم کرد .

بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا

در دلم ترسد بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

سلام تمام همسایه ها و تما برادران عضو انجمن اسلامی و برادرانی که در جماعت شرکت میکنند تمام کسانی که از تو سوال میکنند برسائید. ، سلام خاله ام مریم را بسیار برسان و اگر گاهی ناراحتش کرده ام مرا ببخشد توفیق همه مسلمین را در خدمت به اسلام از خدای تبارک و تعالی خواستارم .

والسلام

ابراهیم تلیانی



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوشهر